رویش روان شناسی، سال۱۵، شماره ۵، شماره پیاپی ۱۲۲، مرداد ۱۴۰۵
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),15(5), 2026

مقایسه صلاحیت والدینی، اعتماد زناشویی و راهبردهای حفظ رابطه در زنان با و بدون سابقه طلاق

Comparison of Parental Competence, Marital Trust, and Relationship Maintenance Strategies in Married Women with and without a History of Divorce

حسین آقادخت
دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده،گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
اسماعیل صدری دمیرچی (نویسنده مسئول)
استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
علی شیخ السلامی
استاد گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Hossien Aghadokht
M.A. student of Family Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University Of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.
Esmaeil Sadri Damirchi *
Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University Of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. e.sadri@uma.ac.ir
Ali Sheikholslami
Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University Of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

چکیده
پژوهش حاضر با هدف مقایسه صلاحیت والدینی، اعتماد زناشویی و راهبردهای حفظ رابطه در زنان متأهل با و بدون سابقه‌ی طلاق انجام شد. این مطالعه از نوع توصیفی-علی مقایسه‌ای بود و جامعه‌ی آماری آن شامل زنان متأهل با و بدون سابقه طلاق شهر اردبیل در سال ۱۴۰۴ بود که از بین این افراد، نمونه‌ای شامل ۸۰ نفر (۴۰ نفر در هر گروه) با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه‌های صلاحیت والدینی (PSOC؛ جانستون و ماش، ۱۹۸۹)، اعتماد در روابط بین فردی (ITQ؛ رمپل و هولمز، ۱۹۸۶) و راهبردهای حفظ رابطه (RMSM؛ استفورد و کانری، ۱۹۹۲) بود. برای تحلیل داده‌ها از آزمون‌های تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین زنان متأهل با و بدون سابقه‌ی طلاق در صلاحیت والدینی، اعتماد زناشویی و راهبردهای حفظ رابطه تفاوت معناداری وجود دارد (P<۰/۰۵). میانگین نمرات زنان بدون سابقه طلاق در متغیرهای صلاحیت والدینی، اعتماد زناشویی و راهبردهای حفظ رابطه بالاتر از گروه زنان با سابقه طلاق بود (P<۰/۰۵). این یافته‌ها نشان می‌دهند تجربه طلاق می‌تواند به‌عنوان عامل آسیب‌پذیری در کارکردهای والدینی و بین‌فردی در ازدواج‌های بعدی عمل کند و ضرورت مداخلات حمایتی و آموزشی برای تقویت مهارت‌های ارتباطی و خانوادگی در این گروه را برجسته می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: *صلاحیت والدینی، اعتماد زناشویی، راهبردهای حفظ رابطه، زنان متاهل، سابقه طلاق.*

Abstract
The present study aimed to compare parental competence, marital trust, and relationship maintenance strategies in married women with and without a history of divorce. This study was a descriptive causal-comparative study, and its statistical population included married women with and without a history of divorce in Ardabil, Iran, in 2025. From this population, a sample of 80 participants (40 in each group) was selected using convenience sampling. The research instruments included the Parenting Sense of Competence Scale (PSOC; Johnston & Mash, 1989), the Interpersonal Relationship Trust Scale (ITQ; Rempel & Holmes, 1986), and the Relationship Maintenance Strategies Measure (RMSM; Stafford & Canary, 1992). Data were analyzed using multivariate analysis of variance. The results showed a significant difference between married women with and without a history of divorce in parental competence, marital trust, and relationship maintenance strategies ($p < .05$). The mean scores of women without a history of divorce were higher than those of women with a history of divorce in parental competence, marital trust, and relationship maintenance strategies ($p < .05$). These findings suggest that the experience of divorce can act as a vulnerability factor in parental and interpersonal functioning in subsequent marriages and highlight the necessity of supportive and educational interventions to strengthen communication and family skills in this group.

Keywords: *Parental Competences, Marital Trust, Relationship Maintenance Strategies, Married Women, History of Divorce.*

نوع مقاله: پژوهشی | **دریافت:** بهمن ۱۴۰۴ | **پذیرش:** اردیبهشت ۱۴۰۵ | **ویرایش نهایی:** مرداد ۱۴۰۵

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.31]

مقدمه

خانواده مهم‌ترین و کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که با پیوند زن و مرد شکل می‌گیرد. خانواده نهادی است که از سال‌های گذشته تا امروز، پایه‌ای‌ترین نظام حفظ و دوام فرهنگ افراد بوده و اهمیت آن به قدری زیاد است که در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و تربیتی اکثریت جوامع و دولت‌ها مدنظر قرار می‌گیرد (رودا[1] و همکاران، ۲۰۲۵). اساس تشکیل این نهاد اجتماعی، ازدواج است، اما موفقیت، پایداری و دستیابی به اهداف ازدواج توسط هر یک از زوجین مهم‌تر از خود ازدواج می‌باشد علاوه براین همچنین موفقیت در ازدواج باعث شکل‌گیری خانواده‌ای با کارکرد درست می‌شود و زمینه‌ساز موفقیت‌های دیگر در افراد را فراهم می‌کند (آنک و هافمن[2]، ۲۰۲۳).

با توجه به تغییرات و تحولات بسیاری که در زندگی امروزی رخ داده و تغییر سبک زندگی‌ها، مشکلات متعددی کانون خانواده را تهدید می‌کند، به‌طوری که بسیاری از ازدواج‌ها به دلایل مختلف به سمت از هم گسیختگی و طلاق می‌روند (صادقی و همکاران، ۱۴۰۴). براساس گزارش ثبت احوال (۱۴۰۳) در ایران حدود یک سوم از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شود. طلاق بر چگونگی روابط جدید، پذیرش نقش‌های جدید و نگرش زوجین و فرزندان تأثیرگذار است (گارریگا و پنونی[3]، ۲۰۲۲). کارآیی نادرست خانواده‌ها که موجب این معضل اجتماعی شده، در جوامع مختلف بسیار گسترده است و در هیچ زمانی از تاریخ مانند عصر حاضر، خطر از بین بردن کانون خانواده و اثرات ناشی از آن را به دنبال نداشته است. زنان با سابقه طلاق، به دلیل تعصبات اجتماعی، فشارهای خانواده و نگرش افراد جامعه استرس و اضطراب بیشتری را تجربه می‌کنند، همچنین علائم روان‌پریشی در زنان با سابقه طلاق بیشتر از مردان با سابقه طلاق بیان شده است (زکی‌خانی و همکاران، ۱۴۰۳). در مقابل، روابط زناشویی پایدار و رضایت‌بخش پیامدهای مثبتی از جمله سلامت روانی، سلامت بدنی و رشد را برای اعضای خانواده به همراه دارد (ماکی[4] و همکاران، ۲۰۲۵). با افزایش طلاق، ازدواج مجدد به عنوان روشی موجه معنا پیدا می‌کند و حال تبدیل به هنجاری در جامعه است. این امر موارد بهداشتی و سلامت جسمی فرد را با جلوگیری از رفتارهای ناسالم مانند اعتیاد به الکل، سیگار و روابط نامشروع افزایش می‌دهد. با توجه به اینکه ازدواج مجدد پس از اتمام یک رابطه ناخوشایند اتفاق می‌افتد و امید به زندگی را بهبود می‌بخشد، اما در واقعیت نیازهای همسر جدید و فرزندان باعث به وجود آمدن ناملایماتی در افراد می‌شود (براون[5] و همکاران،۲۰۲۵). این ناملایمات احتمال شکست در ازدواج‌های مجدد را نسبت به ازدواج‌های اول بالاتر می‌برد. پژوهش‌ها نشان داده است که این نوع از ازدواج‌ها فارغ از فرهنگ وجغرافیایی محل زندگی زودتر به طلاق مجدد منجر می‌شود (بهرامی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۴).

والدینی که پس از طلاق درگیر فرآیندهای جدایی و بازسازی نقش والدینی هستند، به طور کلی در مهارت‌های والدگری و روابط مشارکتی در نگهداری از فرزندان با چالش‌های بیشتری مواجه‌اند، از جمله این موارد سطوح پایین‌تر صلاحیت والدینی و روابط همکاری نامطلوب‌تر با والد دیگر می‌باشد (اولارسکو و دیکو[6]، ۲۰۲۵). صلاحیت والدینی[7] به توانایی آموخته‌شده زوجین در جهت مراقبت مؤثر از فرزندان با انجام وظایف لازم از طریق به‌کار بردن دانش، مهارت‌ها یا توانمندی‌های اثبات‌شده، یا رفتارها، نگرش‌ها و اسنادهایی که با پیامدهای مثبت فرزندان ارتباط دارد، گفته می‌شود که بر رفتار کودکان تأثیرگذار است (زنگ[8] و همکاران، ۲۰۲۵). صلاحیت والدینی با خودکارآمدی و مهارت‌های فرزندپروری رابطه مستقیمی دارد، یعنی با افزایش خودکارآمدی و مهارت‌های فرزندپروری، صلاحیت والدینی افزایش می‌یابد (بورنشتاین[9]، ۲۰۱۹). فرزندان از مادران خود انتظار دارند برایشان حس امنیت را به وجود بیاورند و الگوهای رفتاری مطلوب را به آنان ارائه دهند (پن[10] و همکاران، ۲۰۲۴). این امنیت، بیشتر از آن‌که به روابط عاطفی بین والدین و فرزندان مربوط شود، به مشاهدات و برداشت‌های فرزندان از روابط والدینشان وابسته است (لی کن جی[11] و همکاران، ۲۰۲۵). زنان بدون سابقه طلاق، معمولاً ثبات رابطه زناشویی یک عامل حمایت‌کننده برای عملکرد بهتر والدینی عمل می‌کند (اودیس[12]، ۲۰۲۱). این زنان تمایل بیشتری برای مشارکت در تربیت فرزندان دارند و به دلیل عدم وجود تنش‌های ناشی از طلاق، محیط خانوادگی پایدار و امن‌تری را برای فرزندان خود فراهم می‌کنند.

1 Ruda
2 Uunk & Hoffmen
3 Garriga & Pennoni
4 Maki
5 Brown
6 Olărescu & Dicu
7 parental competence
7 Zeng
9 Bornstein
10 pan
11 Lie Ken Jie
12 Odis

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.31]

در حالی که زنانی که یک بار طلاق را تجربه کرده‌اند، با مشکلاتی ناشی از تجربه طلاق، از جمله احساس گناه، سازگاری با نقش‌های جدید، ایجاد رابطه مثبت با فرزندان ناتنی، اضطراب و ناامنی روبه‌رو هستند که این عوامل می‌توانند بر عملکرد والدینی تأثیرگذار باشند (ذوالقدری و همکاران، ۱۴۰۳). والدگری پس از طلاق به دلیل تغییر ساختار خانواده، افزایش استرس، و فقدان حمایت هیجانی و روانی، یکی از چالش‌برانگیزترین تجربه‌های زندگی والدین است که می‌تواند بر کیفیت تعامل والد و کودک اثر بگذارد (حمیدی و همکاران، ۱۴۰۳؛ اینیو[1] و همکاران، ۲۰۲۳).

از دیگر مواردی که در رابطه زوجین مهم است، اعتماد زناشویی[2] می‌باشد. اعتماد از عناصر مهم هر رابطه، از جمله ازدواج است که به عنوان یک عامل مهم در زندگی هر فرد، دلیل تداوم و پایداری رابطه زناشویی می‌باشد (ساتینکایا[3] و همکاران، ۲۰۲۵). تجربه شکست رابطه یا طلاق ممکن است موجب کاهش اعتماد در روابط بعدی شود، زیرا الگوهای وابستگی، باورهای رابطه‌ای و تجربیات منفی پیشین در شکل‌گیری اعتماد تاثیرگذار هستند (ییلماز[4] و همکاران، ۲۰۲۳). در زنانی که سابقه طلاق ندارند، اعتماد زناشویی معمولاً براساس تجربیات مثبت و بلندمدت شکل می‌گیرد (دیاموند[5] و همکاران، ۲۰۱۷). این زنان علاقه بیشتری به سرمایه‌گذاری عاطفی و روانی در رابطه دارند و به دلیل عدم تجربه منفی نسبت به ازدواج و طلاق، سطح اعتماد زناشویی بالاتری را تجربه می‌کنند (سامری[6] و همکاران، ۲۰۲۴). همچنین، دریافت حمایت عاطفی مداوم از همسر باعث اعتماد بیشتر در روابط زناشویی می‌شود. در مقابل، زنانی که یک بار طلاق را تجربه کرده‌اند ممکن است به دلیل تجربه منفی گذشته، سطح اعتماد زناشویی پایین‌تری به همسر جدید خود داشته باشند. (کائو[7] و همکاران، ۲۰۲۲). در زمینه بررسی زنان با سابقه طلاق، اگرچه مطالعات مستقیم کم هستند، اما نتایج نشان می‌دهند که تجربیات منفی مانند طلاق یا فروپاشی رابطه قبلی می‌تواند به شکل‌گیری باورهای رابطه‌ای منفی‌تر، افزایش سبک‌های دلبستگی اجتنابی یا پراضطراب و در نهایت کاهش اعتماد در روابط بعدی منجر شود (جاکوبی و لالو[8]، ۲۰۲۵؛ گوزمن-گونزالس[9] و همکاران، ۲۰۲۵).

راهبردهای حفظ رابطه[10]، نیز از دیگر متغیرهای بسیار مهم در زندگی زوجین می‌باشد. راهبردهای حفظ رابطه شامل مجموعه رفتارهایی می‌شود که در تداوم رابطه نقش دارند. از ابتدای دهه ۱۹۸۰، پژوهشگران راهبردهای حفظ رابطه را به عنوان عواملی مهم که سبب رشد و ارتقای روابط زناشویی می‌شود، شناسایی کردند (استفورد[11]، ۲۰۱۶). این راهبردها مجموعه اقداماتی هستند که افراد به‌صورت هشیارانه و یا ناهشیارانه به کار می‌گیرند تا بتوانند روابط خود را با یکدیگر حفظ کنند (ویدیاستونی[12]،۲۰۲۱). راهبردهای حفظ رابطه یک پیش‌بینی‌کننده مهم برای ازدواج‌های رضایت‌بخش می‌باشد و از اهمیت آن می‌توان به این مورد اشاره کرد که می‌تواند به عنوان مکانیزم اصلی در رضایت و ثبات زندگی زناشویی باشد (گل‌محمدیان و سلیمی، ۱۴۰۲). افرادی که همسر آن‌ها از راهبردهای حفظ رابطه بیشتر استفاده می‌کند، از دلگرمی بیشتر، تردید کمتر نسبت به آینده و رضایت زناشویی بیشتری برخوردارند (بلاو[13] و همکاران، ۲۰۲۵). در زوج‌های بدون سابقه طلاق، راهبردهای حفظ رابطه به‌صورت طبیعی و خودانگیخته‌تر انجام می‌شود. در حالی که باتوجه به اینکه زوج‌های قبلاً ازدواج کرده، یک بار با موفقیت طلاق را تجربه کردند، بیشتر مایل به طلاق گرفتن هستند و احتمال اینکه دوباره طلاق بگیرند بیشتر است، همچنین این افراد در استفاده از راهبردهای حفظ رابطه به واسطه تجربه طلاق با چالش های متعددی روبه رو هستند (بین[14] و همکاران، ۲۰۲۰).

با توجه به افزایش نرخ طلاق و پیامدهای آن بر کارکرد خانواده، به‌ویژه برای زنان، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تجربه طلاق می‌تواند بر جنبه‌های مختلف زندگی زناشویی و والدینی تأثیر منفی بگذارد. با این حال، مشخص نیست که زنان با سابقه طلاق در مقایسه با زنان بدون سابقه طلاق از نظر صلاحیت والدینی، اعتماد زناشویی و راهبردهای حفظ رابطه تفاوت معناداری دارند یا خیر. بنابراین، مسأله اصلی پژوهش حاضر، مقایسه این سه متغیر مهم در دو گروه زنان با و بدون سابقه طلاق به منظور شناسایی تفاوت‌های احتمالی و ارائه راهکارهای مناسب

1 Einio
2 Marital trust
2 Cetinkaya
4 Yılmaz
5 Diamond
6 Sumari
7 Cao
8 Giacobbi & Lalot
9 Guzmán-González
10 Relationship maintenance strategies
11 Stafford
12 Widiastuti
13 Blow
14 Bean

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.31]

برای بهبود روابط و عملکرد خانواده است. بنابراین، درک نیازها و چالش‌های ازدواج مجدد می‌تواند به افراد کمک کند تا آمادگی‌های شناختی و عاطفی لازم را قبل از ورود به ازدواج جدید به دست آورند. همچنین، این مطالعه به تحلیل این روابط و کشف تفاوت‌های معنادار در میان گروه‌های مختلف با هدف ارائه دیدگاه‌های کاربردی برای مداخلات روان‌شناختی و برنامه‌های آموزشی می‌پردازد که می‌تواند به کاهش مشکلات مربوط به طلاق گذشته زنان و بهبود مهارت‌های بین‌فردی آن‌ها کمک کند. بنابراین مطالعه حاضر با هدف مقایسه صلاحیت والدینی، اعتماد زناشویی و راهبردهای حفظ رابطه در زنان با و بدون سابقه طلاق انجام شد.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و روش آن علی مقایسه‌ای (پس‌رویدادی) بود. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر زنان متأهل با و بدون سابقه طلاق شهر اردبیل در سال ۱۴۰۴ بودند که از میان آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، ۸۰ شرکت‌کننده انتخاب شدند. با توجه به اینکه برای پژوهش‌های علی مقایسه‌ای، برای هر گروه ۳۰ نفر کافی است (دلاور، ۱۳۹۸)، برای اینکه نمونه‌ی انتخاب‌شده نماینده‌ی واقعی جامعه باشد، حجم نمونه ۸۰ نفر (هر گروه ۴۰ نفر) در نظر گرفته شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل زنان متأهل ساکن شهر اردبیل، علاقه‌مندی جهت شرکت در پژوهش، رضایت آگاهانه، داشتن حداقل یک فرزند و برای گروه با سابقه طلاق داشتن حداقل یک تجربه طلاق و ازدواج مجدد بود. ملاک‌های خروج نیز شامل عدم تمایل به مشارکت و ناقص بودن پاسخ‌های پرسشنامه بود. در پژوهش حاضر اصالت متون، صداقت، امانت‌داری و رازداری رعایت شده است. همه شرکت‌کنندگان نسبت به اهداف پژوهش آگاه بودند و فرم رضایت آگاهانه را در شروع پژوهش تکمیل کردند. همچنین شرکت در این پژوهش آگاهانه بوده و هیچ‌گونه آسیب جسمانی و شناختی برای شرکت‌کنندگان به دنبال نداشت. برای انجام پژوهش، پس از هماهنگی‌های لازم برای دسترسی به گروه نمونه زنان متأهل با سابقه طلاق از طریق مراکز مشاوره اردبیل و زنان متأهل بدون سابقه طلاق به‌صورت در دسترس انتخاب شدند. پس از توضیح اهداف پژوهش و دریافت رضایت‌نامه، پرسشنامه‌ها در دو بخش (اطلاعات جمعیت‌شناختی و پرسشنامه‌های پژوهش) تکمیل گردید. در نهایت، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ و با استفاده از آزمون‌های تحلیل واریانس چندمتغیره مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزار سنجش

مقیاس صلاحیت والدینی [1](PSOC): این مقیاس در سال ۱۹۷۸ به منظور سنجش صلاحیت والدینی تهیه گردید (جانستون و ماش[2]، ۱۹۸۹). نسخه‌ی اصلی این مقیاس شامل ۱۷ گویه بود که پس از بررسی، یک گویه حذف و در نهایت این مقیاس شامل ۱۶ گویه شده است. این مقیاس احساسات والدین را از والد بودن آن‌ها بررسی می‌کند و دارای دو خرده‌مقیاس رضایت از نقش والدینی[3] (۹ گویه) و احساس کارآمدی والدین[4] (۷ گویه) می‌باشد. نمره‌گذاری این مقیاس به روش لیکرت ۶ درجه‌ای از ۱=کاملاً مخالف تا ۶=کاملاً موافق نمره‌گذاری می‌شود. ۷ گویه این مقیاس (۱، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵) دارای نمره‌گذاری معکوس هستند. دامنه نمرات از ۱۶ تا ۹۶ می‌باشد که نمره بالاتر نشان‌دهنده احساس صلاحیت والدینی بیشتر است. روایی واگرای این مقیاس با سیاهه‌ی مشکلات رفتاری کودکان آشنباخ و ادلبراک بین ۰/۱۵- تا۰/۳۱- و پایایی آن به شیوه همسانی درونی برای خرده‌مقیاس رضایت ۰/۷۶، کارآمدی ۰/۷۵ و نمره کل ۰/۷۹ بدست آمده است (جانسون و ماش، ۱۹۸۹). در ایران نیز پایایی این مقیاس در پژوهش نعمتی و همکاران (۱۴۰۳) به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹گزارش شده است. همچنین در پژوهش امیدوار و لیراویانی‌نژاد (۱۳۹۷) پایایی مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ و روایی محتوایی آن ۰/۷۹ گزارش شده است. ضریب پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس نقش والدینی ۰/۷۲، احساس کارآمدی والدین ۰/۷۶ و نمره کل ۰/۷۸ بدست آمد.

مقیاس اعتماد در روابط بین فردی (ITQ)[5]: این مقیاس به منظور سنجش میزان اعتماد به همسر در سال۱۹۸۶ توسط رمپل و هولمز تهیه گردیده و یک ابزار خودگزارشی با ۱۸ گویه است. این مقیاس شامل ۳ خرده‌مقیاس پیش‌بینی‌پذیری[6] (۵ گویه)، قابلیت اعتماد[7] (۵ گویه) و وفاداری[8] (۸ گویه) است و نمره‌گذاری آن به روش لیکرت ۷ درجه‌ای انجام می‌شود و پاسخ‌ها از ۱=کاملاً مخالفم تا ۷=کاملاً موافقم نمره‌گذاری

1 Parental competence scale
2 Johnston & Mash
3 Parental Satisfaction
4 Parental Efficacy
5 Interpersonal Trust Questionnaire
6 Predictability
7 Dependability
8 Faith

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.31]

می‌شوند. دامنه نمرات از ۱۸ تا ۱۲۶ می‌باشد که نمره بالاتر نشان‌دهنده میزان اعتماد بالاتر است. پایایی خرده‌مقیاس ها به روش آلفای‌کرونباخ به ترتیب پیش‌بینی‌پذیری ۰/۷۰، قابلیت اعتماد ۰/۷۲، وفاداری ۰/۸۲ و نمره کل ۰/۸۱ و روایی ملاک ۰/۸۴ بدست آمده است (رمپل و هولمز[1]، ۱۹۸۶). در ایران این مقیاس توسط اساتید گروه مشاوره و تعدادی از دانشجویان دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبایی تهران ترجمه و روایی صوری آن تایید شد و ضریب پایایی به روش بازآزمایی پس از سه هفته ۰/۷۸ بدست آمد(کردی و همکاران، ۱۳۹۶). ضریب پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای‌کرونباخ برای خرده‌مقیاس پیش‌بینی‌پذیری ۰/۷۲، قابلیت‌اعتماد ۰/۷۶، وفاداری ۰/۸۱ و نمره کل ۰/۸۲ بدست آمد.

مقیاس راهبردهای حفظ رابطه (RMSS)[2]: این مقیاس به منظور سنجش کمی راهبردهای حفظ رابطه ابتدا در سال ۱۹۹۱ توسط استفورد و کانری[3] تهیه گردید و در سال ۱۹۹۲ مجدداً توسط آنان اصلاح شد. نسخه اصلی این پرسشنامه شامل ۵ خرده‌مقیاس است که عبارتند از: مثبت‌گرایی[4] (۲ گویه)، باز و راحت بودن[5] (۷ گویه)، اطمینان و دلگرمی[6] (۸ گویه)، شبکه‌های اجتماعی[7] (۲ گویه) و تقسیم وظایف[8] (۵ گویه). در نسخه تصحیح‌شده، دو خرده‌مقیاس نصیحت کردن[9] (۲ گویه) و مدیریت تعارض[10] (۵ گویه) به این مقیاس اضافه گردید و جمع گویه‌ها به ۳۱ رسید. شیوه نمره‌گذاری به روش لیکرت ۷ درجه‌ای است که از ۱=اصلاً تا ۷=همیشه نمره‌گذاری می‌شود. سازندگان این مقیاس ضریب پایایی را به روش آلفای‌کرونباخ برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب نصیحت ۰/۷۰، اطمینان‌دهی ۰/۹۲، مدیریت تعارض ۰/۸۱، گشودگی ۰/۸۷، مثبت‌گرایی ۰/۷۶، تقسیم وظایف ۰/۸۳ و شبکه‌های اجتماعی ۰/۷۲ و روایی سازه نیز ۰/۷۲ گزارش کرده‌اند (استفورد و کانری،۱۹۹۲). در ایران نیز قزلسو و هاشمی (۱۳۹۷) پایایی این مقیاس را به روش آلفای‌کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب نصیحت ۰/۸۰، اطمینان‌دهی ۰/۹۲، مدیریت تعارض ۰/۸۴، گشودگی ۰/۹۱، مثبت‌گرایی ۰/۷۸، تقسیم وظایف ۰/۷۹ و شبکه‌های اجتماعی ۰/۸۳ گزارش کرده‌اند. همچنین روایی همگرای این مقیاس با مقیاس سازگاری زناشویی ۰/۶۵ گزارش شده است. ضریب پایایی این مقیاس در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای‌کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها به ترتیب نصیحت ۰/۷۲، اطمینان‌دهی ۰/۷۱، مدیریت تعارض۰/۸۰، گشودگی ۰/۷۹، مثبت‌گرایی ۰/۷۵، تقسیم وظایف۰/۷۰ و شبکه‌های اجتماعی ۰/۸۱ بدست آمد.

یافته ها

در پژوهش حاضر، ۸۰ نفر در دو گروه از زنان متأهل با سابقه طلاق و زنان متأهل بدون سابقه طلاق مورد مطالعه قرار گرفتند. میانگین و انحراف معیار سن گروه زنان با سابقه طلاق ۳۸/۱۷، ۵/۴۸ و گروه زنان بدون سابقه طلاق ۳۸/۴۵، ۵/۹۰ بود. نتایج آزمون تی‌مستقل نشان‌دهنده همسان بودن گروه‌ها از لحاظ سنی بود. از نظر تحصیلات در گروه زنان با سابقه طلاق کارشناسی۴۰ درصد، دیپلم و پایین‌تر ۳۲/۵ درصد و کارشناسی‌ارشد و بالاتر ۲۷/۵ درصد بود. در گروه زنان بدون سابقه طلاق کارشناسی ۴۲/۵ درصد، دیپلم و پایین‌تر ۳۵ درصد و کارشناسی‌ارشد و بالاتر ۲۲/۵ درصد بود. از نظر شغل در گروه زنان با سابقه طلاق ۲۷/۵ شاغل و ۷۲/۵ خانه‌دار بود. در گروه زنان بدون سابقه طلاق ۲۵ درصد شاغل و ۷۵ درصد خانه‌دار بود. اطلاعات توصیفی متغیرهای مورد بررسی در جدول۱ ارائه شد.

جدول۱. اطلاعات توصیفی متغیرهای پژوهش در گروه زنان با و بدون سابقه طلاق

متغیر	زنان با سابقه طلاق				زنان بدون سابقه طلاق			
	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	کجی	میانگین	انحراف معیار	کشیدگی	کجی
رضایت	۲۳/۳۵	۶/۱۲	۰/۳۰	۰/۴۹	۲۷/۷۵	۶/۴۴	-۰/۵۱	-۰/۳۷
کارآمدی	۲۴/۲۳	۵/۷۴	۰/۳۹	۰/۰۹	۲۹/۶۸	۵/۱۲	۰/۰۳	-۰/۲۳
صلاحیت والدینی	۴۷/۵۷	۹/۰۸	-۰/۶۵	۰/۲۵	۵۷/۴۲	۸/۱۵	۰/۳۸	-۰/۳۵

1 Rempel & Holmes
2 Relationship maintenance strategies Scale
3 Stafford & Canary
4 Positivity
5 Openness
6 Assurances
7 Assurances
8 Social Networks
9 Giving Advice
10 Conflict Management

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.31]

پیش بینی پذیری	۲۰/۱۰	۳/۱۵	-۰/۱۵	۰/۲۹	۲۵/۴۵	۳/۹۰	۰/۲۸	۰/۲۸
قابلیت اعتماد	۲۱/۴۳	۴/۱۵	-۰/۴۱	۰/۲۸	۲۵/۶۵	۴/۷۱	-۰/۱۳	۰/۰۶
وفاداری	۲۷/۰۳	۴/۳۷	۰/۰۵	-۰/۰۳	۳۵/۶۵	۴/۴۴	-۰/۳۹	-۰/۱۴
اعتماد زناشویی	۶۸/۵۵	۶/۲۸	-۰/۷۶	-/۰۶	۸۶/۷۵	۸/۴۶	-۰/۶۰	۰/۸۷
مثبت گرایی	۷/۹۳	۲/۵۸	۰/۳۴	۰/۵۳	۱۱/۱۵	۱/۹۴	۱/۰۱	۰/۴۴
باز و راحت بودن	۲۹/۱۳	۴/۹۳	۰/۲۲	۰/۳۷	۳۴/۳۰	۴/۶۴	-۰/۶۵	-۰/۰۹
اطمینان ودلگرمی	۳۸/۵۰	۴/۸۶	-۰/۳۳	۰/۹۰	۴۱/۰۳	۵/۸۵	-۰/۰۹	۰/۴۵
شبکه های اجتماعی	۸/۱۵	۲/۷۶	۰/۲۲	۰/۱۷	۱۱/۱۰	۲/۱۷	۰/۵۵	۰/۰۳
تقسیم وظایف	۲۳/۸۸	۵/۲۹	۰/۰۹	-۰/۵۹	۲۶/۲۳	۴/۵۸	۰/۲۱	-۰/۴۰
نصیحت	۸/۳۵	۲/۶۴	۰/۱۶	-۰/۰۷	۹/۷۵	۲/۹۲	-۰/۷۷	-۰/۲۶
مدیریت تعارض	۲۳/۵۵	۶/۱۷	۰/۲۰	-۰/۶۸	۲۶/۸۳	۴/۶۵	-۱/۰۹	۰/۱۶
راهبردهای حفظ رابطه	۱۳۹/۴۷	۱۱/۵۹	۰/۰۴	-۰/۵۷	۱۶۰/۳۷	۱۱/۲۳	-۰/۱۰	-۰/۱۷

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین نمرات زنان متأهل با سابقه طلاق در متغیر صلاحیت والدینی (و ابعاد آن)، اعتماد زناشویی (و ابعاد آن) و راهبردهای حفظ‌رابطه (و ابعاد آن) نسبت به زنان متأهل بدون سابقه طلاق کمتر بوده‌است. برای بررسی معناداری این تفاوت از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. قبل از استفاده از این آزمون، مفروضه‌های آزمون مورد بررسی قرار گرفت. جهت بررسی مفروضه همسانی ماتریس‌های واریانس-کوواریانس از آزمون ام باکس (P>۰/۰۵)، برای بررسی همگنی واریانس‌های خطا از آزمون لوین (P>۰/۰۵) و برای بررسی نرمال بودن توزیع از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد (P>۰/۰۵). نتایج آزمون‌ها نشان‌دهنده برقراری مفروضه‌ها بود. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری در جدول ۲ ارائه شد.

جدول۲. نتایج تحلیل واریانس چند متغیری

نام آزمون	مقدار	F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آماری
اثر پیلایی	۰/۷۷	۱۹/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۷۷۶	۱
لامبدای ویلکز	۰/۲۲	۱۹/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۷۷۶	۱
اثر هتلینگ	۳/۴۶	۱۹/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۷۷۶	۱
بزرگترین ریشه روی	۳/۴۶	۱۹/۳۱	۰/۰۰۱	۰/۷۷۶	۱

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، نتایج آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری نشانگر تفاوت معنادار بین میانگین نمرات دو گروه است (P=۰/۰۰۱، F=۱۹/۳۱). برای مشخص شدن اینکه تفاوت مربوط به کدام متغیر می‌باشد، از تحلیل واریانس تک‌متغیری استفاده شد. نتایج تحلیل واریانس تک‌متغیری در جدول ۴ ارائه شد.

جدول۳. نتایج تحلیل واریانس تک متغیری

متغیر	SS	DF	MS	F	P	ضریب اتا
رضایت	۳۸۷/۲۰	۱	۳۸۷/۲۰	۹/۷۸	۰/۰۲	۰/۱۱۱
کارآمدی	۵۹۴/۰۵	۱	۵۹۴/۰۵	۲۰/۰۶	۰/۰۱	۰/۲۰۵
صلاحیت والدینی	۱۹۴۰/۴۵	۱	۱۹۴۰/۴۵	۲۶/۰۳	۰/۰۱	۰/۲۵۰
پیش بینی پذیری	۵۷۲/۴۵	۱	۵۷۲/۴۵	۴۵/۴۹	۰/۰۱	۰/۳۶۸
قابلیت اعتماد	۳۵۷/۰۱	۱	۳۵۷/۰۱	۱۸/۰۹	۰/۰۱	۰/۱۸۸
وفاداری	۱۴۸۷/۸۱	۱	۱۴۸۷/۸۱	۷۶/۵۴	۰/۰۱	۰/۴۹۵

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.31]

اعتماد زناشویی	۶۶۲۴/۸۰	۱	۶۶۲۴/۸۰	۱۱۹/۲۴	۰/۰۱	۰/۶۰۵
مثبت گرایی	۲۰۸/۰۱	۱	۲۰۸/۰۱	۳۹/۷۷	۰/۰۱	۰/۳۳۸
باز و راحت بودن	۵۳۵/۶۱	۱	۵۳۵/۶۱	۲۳/۳۰	۰/۰۱	۰/۲۳۰
اطمینان و دلگرمی	۱۲۷/۵۱	۱	۱۲۷/۵۱	۴/۴۰	۰/۰۳	۰/۰۵۳
شبکه های اجتماعی	۱۷۴/۰۵	۱	۱۷۴/۰۵	۲۸/۲۴	۰/۰۱	۰/۲۶۶
تقسیم وظایف	۱۱۰/۴۵	۱	۱۱۰/۴۵	۴/۴۹	۰/۰۳	۰/۰۵۵
نصیحت	۳۹/۲۰	۱	۳۹/۲۰	۵/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۶۱
مدیریت تعارض	۲۱۴/۵۱	۱	۲۱۴/۵۱	۷/۱۸	۰/۰۱	۰/۰۸۴
راهبردهای حفظ رابطه	۱۰۱۶۹/۳۵	۱	۱۰۱۶۹/۳۵	۶۰/۷۴	۰/۰۱	۰/۴۳۸

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، زنان متاهل با سابقه طلاق و بدون سابقه طلاق در متغیرهای رضایت (P=۰/۰۲)، کارآمدی (P=۰/۰۱)، صلاحیت‌والدینی (P=۰/۰۱)، پیش‌بینی پذیری (P=۰/۰۱)، قابلیت اعتماد (P=۰/۰۱)، وفاداری (P=۰/۰۱)، اعتماد زناشویی (P=۰/۰۱)، مثبت گرایی (P=۰/۰۱)، باز و راحت بودن (P=۰/۰۱)، اطمینان و دلگرمی (P=۰/۰۳)، شبکه‌های اجتماعی (P=۰/۰۱)، تقسیم وظایف (P=۰/۰۳)، نصیحت (P=۰/۰۲)، مدیریت تعارض (P=۰/۰۱) و راهبردهای حفظ‌رابطه (P=۰/۰۱) تفاوت معناداری دارند. براساس این نتایج، می‌توان گفت که میانگین نمرات زنان بدون سابقه طلاق در متغیرهای صلاحیت والدینی (و ابعاد آن)، اعتماد زناشویی (و ابعاد آن) و راهبردهای حفظ رابطه (و ابعاد آن) بیشتر از زنان با سابقه طلاق است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر مقایسه صلاحیت والدینی، اعتماد زناشویی و راهبردهای حفظ رابطه در زنان متأهل با و بدون سابقه طلاق بود. یافته اول پژوهش نشان داد که زنان بدون سابقه طلاق از صلاحیت والدینی بیشتری نسبت به زنان با سابقه طلاق برخوردارند. این یافته با نتایج مطالعات اولارسکو و دیکو (۲۰۲۵)، حمیدی و همکاران (۱۴۰۳)، پن و همکاران (۲۰۲۴)، لی کن جی و همکاران (۲۰۲۵) و اودیس (۲۰۲۱) همسو است. بر اساس مطالعات پن و همکاران (۲۰۲۴) و لی کن جی و همکاران (۲۰۲۵) فرآیند پساطلاق غالباً با تغییر نقش‌ها، تعارض و دشواری‌های هماهنگی والدین همراه است و این امر می‌تواند تجربه کارآمدی و رضایت والدینی را تحت تأثیر قرار دهد. این نتیجه را می‌توان بر اساس دیدگاه‌های معاصر در حوزه «استرس خانوادگی و بازسازمان‌دهی نقش‌ها پس از طلاق» تبیین کرد؛ به این معنا که طلاق و پیامدهای آن (تغییر ساختار خانواده، فشارهای اقتصادی-عاطفی، تعارض‌های نقش، و چالش‌های هم‌والدگری) می‌تواند منابع روان‌شناختی والد را فرسوده کند و در سطح تجربه ذهنی، به کاهش رضایت از نقش و کاهش احساس کارآمدی بینجامد (پن و همکاران، ۲۰۲۴). زنانی که طلاق را تجربه کرده‌اند، با وجود ازدواج مجدد ممکن است به‌دلیل آسیب‌های روانی تجربه‌شده در رابطه گذشته خود، همچون بی‌اعتمادی، اضطراب یا کاهش تاب‌آوری هیجانی، با مشکلات بیشتری در ایفای نقش والدینی خود مواجه شوند (اودیس، ۲۰۲۱). این مشکلات می‌تواند به‌طور غیرمستقیم بر صلاحیت والدینی فرد تأثیر منفی بگذارد. در مقابل، زنانی که سابقه طلاق ندارند، از ثبات هیجانی بیشتری برخوردارند و انسجام خانوادگی بالاتری را تجربه می‌کنند لی کن (جی و همکاران، ۲۰۲۵). این ثبات می‌تواند محیطی امن‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر برای رشد کودک فراهم آورد که در پژوهش‌های روان‌شناختی از جمله شاخص‌های کلیدی صلاحیت والدینی محسوب می‌شود (اینویو و همکاران، ۲۰۲۳). زنان بدون سابقه طلاق به‌دلیل پایداری در ساختار خانوادگی، احتمالاً فرصت بیشتری برای توسعه مهارت‌های والدینی دارند. در مقابل، زنان با تجربه طلاق ممکن است همچنان آثار روان‌شناختی و اجتماعی طلاق را تجربه کنند که بر نقش والدینی‌شان تأثیرگذار است (بورنشتاین، ۲۰۱۹).

در یافته دوم نشان داده شد که زنان بدون سابقه طلاق از اعتماد زناشویی بیشتری نسبت به زنان با سابقه طلاق برخوردارند. این یافته با نتایج مطالعات سامری و همکاران (۲۰۲۴)، دیاموند و همکاران (۲۰۱۷)، اعیادی و همکاران (۲۰۲۵) و ییلماز و همکاران (۲۰۲۳) همسو است. این یافته را می‌توان بر اساس چارچوب‌های مبتنی بر دلبستگی و تنظیم هیجان بین‌فردی تبیین کرد؛ به این صورت که تجربه طلاق (خصوصاً اگر با تعارض یا آسیب‌های رابطه‌ای همراه بوده باشد) می‌تواند الگوهای پیش‌بینانه فرد درباره «قابل اتکا بودن شریک» را تغییر

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]
[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.31]

دهد، در نتیجه ابعاد اعتماد مانند پیش‌بینی‌پذیری و وفاداری آسیب می‌بیند (گوزمن-گونزالس، ۲۰۲۵). تجربه‌های شکست رابطه می‌تواند انتظارات رابطه‌ای، پردازش تهدید و آمادگی برای اعتماد را در روابط بعدی تحت تأثیر قرار دهد. به‌خصوص وقتی سبک‌های دلبستگی ناایمن فعال‌تر شوند یا فرد در معرض حساسیت بیشتر به نشانه‌های بی‌ثباتی قرار بگیرد (سامری و همکاران، ۲۰۲۴). مطالعات جدید در حوزه سازگاری با طلاق نشان داده‌اند افراد با الگوهای دلبستگی مضطرب/اجتنابی، معمولاً در سازگاری رابطه‌ای پس از جدایی دشواری بیشتری دارند که می‌تواند به شکل‌گیری اعتماد در رابطه بعدی لطمه بزند (گوزمن-گونزالس، ۲۰۲۵). از منظر ناهمسویی، برخی مطالعات گزارش کرده‌اند که صرفِ تجربه طلاق لزوماً همیشه به کاهش کیفیت رابطه بعدی منتهی نمی‌شود و نقش عوامل زمینه‌ای مانند شدت تعارض، کیفیت رابطه جدید، و مهارت‌های ارتباطی تنظیم هیجان بسیار تعیین‌کننده است (کائو و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، می‌توان گفت نتایج حاضر در چهارچوب ادبیات غالب همسو است، اما شدت اثر می‌تواند با ویژگی‌های بافتی از جمله زمان سپری شده از طلاق، کیفیت ازدواج مجدد و حمایت اجتماعی متفاوت شود.

یافته سوم پژوهش مبنی بر اینکه زنان بدون سابقه طلاق از راهبردهای حفظ رابطه بیشتری نسبت به زنان با سابقه طلاق استفاده می‌کنند، با نتایج مطالعات بین و همکاران (۲۰۱۹)، جانسون و همکاران (۲۰۱۵) و ویدیاستونی (۲۰۲۱) همسو است. این یافته را می‌توان بر اساس چارچوب‌های رفتارهای نگه‌دارنده رابطه و نیز رویکردهای مداخله‌ای جدید تبیین کرد؛ به این معنا که وقتی تجربه رابطه قبلی با ناکامی پایان یافته است، برخی افراد در رابطه جدید به‌جای سرمایه‌گذاری رفتاری (مثل اطمینان‌دهی، گشودگی، مثبت‌گرایی و مدیریت تعارض)، حالت پایش تهدید و احتیاط را ترجیح می‌دهند که در نهایت به کاهش رفتارهای نگه‌دارنده می‌انجامد (استفورد ، ۲۰۱۶). اهمیت آموزش مهارت‌های رابطه‌ای و مداخلات مبتنی بر پیوند هیجانی در بهبود کارکرد زوجین در مطالعات جدید هم نشان داده شده است. برای نمونه، شواهد اخیر از اثربخشی مداخلات آموزشی درمانی برای بهبود شاخص‌های رابطه و کاهش آشفتگی روان‌شناختی را نشان می‌دهد (بلاو و همکاران، ۲۰۲۵). ازدواج مجدد معمولاً با چالش‌های خاصی مانند ادغام نقش‌ها، حساسیت نسبت به تعارض، و پیچیدگی شبکه‌های خویشاوندی-فرزندپروری همراه است. این پیچیدگی‌ها می‌تواند استفاده خودانگیخته از راهبردهای حفظ رابطه را کاهش دهد یا الگوی آن را تغییر دهد (ویدیاستونی، ۲۰۲۱). از منظر خرده‌مقیاس‌ها، پایین‌تر بودن «مدیریت تعارض» و «اطمینان‌دهی» در گروه دارای سابقه طلاق می‌تواند نشان دهد که این گروه در مواجهه با نشانه‌های تهدید رابطه، احتمالاً سریع‌تر وارد چرخه‌های دفاعی- اجتنابی می‌شود و کمتر به راهبردهای ترمیمی متکی است.

در مجموع، در پژوهش حاضر، نتایج نشان داد که زنان با سابقه طلاق در مقایسه با زنان بدون سابقه طلاق، در خرده مقیاس های صلاحیت والدینی، اعتماد زناشویی و راهبردهای حفظ رابطه ضعف معناداری دارند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که تجربه طلاق می‌تواند به‌عنوان عامل آسیب‌پذیری در کارکردهای والدینی و بین‌فردی در ازدواج‌های بعدی عمل کند و ضرورت مداخلات حمایتی و آموزشی برای تقویت مهارت‌های ارتباطی و خانوادگی در این گروه را برجسته می‌سازد. در نهایت، پژوهش حاضر بر ضرورت برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای در زنان با سابقه طلاق تاکید دارد و نشان می‌دهد که توجه به طلاق و متغیر های مرتبط با طلاق مخصوصا در زنان، می‌تواند عامل پیش بینی کننده‌ای در کیفیت زندگی آنان باشد.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش، انتخاب غیرتصادفی شرکت‌کنندگان بود. از دیگر محدودیت‌های پژوهش انتخاب نمونه صرفاً از زنان شهر اردبیل می‌باشد که تعمیم‌پذیری نتایج را کاهش می‌دهد. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌هایی از این نوع بر روی زنان و مردان در سایر مناطق کشور صورت گیرد. با توجه به محدودیت پژوهش‌های علی مقایسه‌ای که امکان استخراج نتایج علیتی مشابه روش‌های آزمایشی را ندارند، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از روش‌های طولی و آزمایشی استفاده شود. پژوهش‌های طولی می‌توانند تغییرات در صلاحیت والدینی، اعتماد زناشویی و راهبردهای حفظ رابطه را در طول زمان بررسی کرده و نشان دهند که درمان‌های مختلف می‌توانند تأثیرات ماندگاری بر این عوامل داشته باشند یا خیر. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تأثیرات عواملی مانند سطح تحصیلات، سن، وضعیت اقتصادی و ویژگی‌های شخصیتی نیز بررسی شود. با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای تقویت صلاحیت والدینی، اعتماد زناشویی و راهبردهای حفظ رابطه در زنان با سابقه طلاق تدوین کرد.

تشکر و قدردانی: این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده دانشگاه محقق اردبیلی است. بدین وسیله از مسئولین محترم دانشگاه و تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش قدردانی به عمل می‌آید.

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.31]

منابع

امیدوار، ب.، و لیراویانی‌نژاد، ش. (۱۳۹۷). تبیین علی رضایت از نقش مادری: نقش خودکارآمدی مادری و راهبردهای نظم‌جویی شناختی هیجان. *فصلنامه زن و جامعه*، ۹(۳۶)، ۱–۱۶. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_3278.html

بهرامی‌نژاد، ح.، شریعتمدار، ا.، فرحبخش، ک.، و عسگری، م. (۱۴۰۴). مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پایداری ازدواج مجدد: پژوهش کیفی داده‌بنیاد. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۲۰(۷۱)، ۱۱۱–۱۳۴. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_209490.html

حمیدی، ر.، احمدی، ص.، و حیدری، ح. (۱۴۰۳). تجربه زیسته والدین از چالش‌های فرزندپروری پس از طلاق: یک مطالعه پدیدارشناختی. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۲۳(۱۳۸)، ۱۸۹–۲۰۸. https://psychologicalscience.ir/article-1-2262-fa.html

ذوالقدری، س.، برجعلی، ا.، و حسین‌ثابت، ف. (۱۴۰۳). اثربخشی درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی فرزندان طلاق. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۵(۳)، ۳۷۱–۳۸۷. https://japr.ut.ac.ir/article_95162.html

زکی‌خانی، ن.، شیرالی‌نیا، خ.، و عباس‌پور، ذ. (۱۴۰۳). شناسایی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری زنان مطلقه و سرپرست فرزند: یک پژوهش کیفی. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۱۹(۶۸)، ۱۱۵–۱۳۷. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_208472.html

سازمان ثبت احوال کشور. (۱۴۰۳). آمار ازدواج و طلاق. https://www.sabteahval.ir

صادقی، ع.، گودرزی، م.، و کریمی‌ثانی، پ. (۱۴۰۴). اثربخشی مداخلات آنلاین سازگاری بعد از طلاق بر استرس، اضطراب و کیفیت زندگی افراد مطلقه شهرستان ایذه. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۲۰(۷۰)، ۲۱۹–۲۴۱. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_209090.html

قزلسو، م.، آقامیری، ن.، آقامیری، ن.، و همتی پویا، س.(۱۳۹۷). بررسی ساختارعاملی، پایایی و روایی مقیاس راهبردهای حفظ رابطه در زوجین شهرتهران. فصلنامه سلامت‌اجتماعی،۵ (۳)، ۲۰۷-۲۱۶. https://www.magiran.com/p1877862

کردی، م.، اصلانی، خ.، وامان الهی، ع. (۱۳۹۶). صمیمت جنسی و اعتماد به‌عنوان تعدیل کننده‌های رابطه سبک دلبستگی ایمن و تعهد زناشویی. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۱۱(۴)، ۳۵۱-۳۳۳. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20084331.1396.11.4.2.5

گل‌محمدیان، م.، و سلیمی، ح. (۱۴۰۲). واکاوی راهبردهای حفظ رابطه زوجی در زنان شاغل: تحلیل محتوای کیفی. *فصلنامه فرهنگی-تربیتی زنان و خانواده*، ۱۸(۶۲)، ۲۱۷–۲۳۴. https://cwfs.ihu.ac.ir/article_207846.html

نعمتی، ک.، گل‌محمدیان، م.، و رشیدی، ع. (۱۴۰۳). اثربخشی برنامه فرزندپروری بر شایستگی والدینی و کیفیت روابط والد-فرزندی در مادران دانش‌آموزان متوسطه‌اول استان‌ایلام. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۵(۶۰)، ۱۲۱– ۱۴۵. https://qccpc.atu.ac.ir/article_18759.html

Anderson, J. (2014). The impact of family structure on the health of children: Effects of divorce. *The Linacre Quarterly, 81*(4), 378–387. https://doi.org/10.1179/0024363914Z.00000000087

Ayadi, N., Fatehizade, M., & Etemadi, O. (2025). Challenges of remarriage: A qualitative study of remarried individuals' perceptions in blended families. *The Family Journal*. https://doi.org/10.1177/10664807251321522

Bean, R. C., Ledermann, T., Higginbotham, B. J., & Galliher, R. V. (2020). Associations between relationship maintenance behaviors and marital stability in remarriages. *Journal of Divorce & Remarriage, 61*(1), 62–82. https://doi.org/10.1080/10502556.2019.1619385

Blow, A., Lesch, E., Wittenborn, A., Tseng, C. F., VanBoxel, J. W., Timm, T., de Bruin, K., & Anderson, C. (2025). The efficacy of the Hold Me Tight relationship education program delivered by paraprofessionals in South Africa. *Journal of Marital and Family Therapy, 51*(3), e70048. https://doi.org/10.1111/jmft.70048

Bornstein, M. H. (2019). Parenting infants. In M. H. Bornstein (Ed.), *Handbook of parenting: Children and parenting* (3rd ed., pp. 3–55). Routledge. https://doi.org/10.4324/9780429440847-1

Brown, S. L., Lin, I.-F., Marino, F. A., & Mellencamp, K. A. (2025). Marital separation, reconciliation, and repartnering in later life. *Journal of Marriage and Family, 87*(1), 182–200. https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/40964136/

Cao, H., Fine, M. A., & Zhou, N. (2022). The divorce process and child adaptation trajectory typology (DPCATT) model: The shaping role of predivorce and postdivorce interparental conflict. *Clinical Child and Family Psychology Review, 25*(3), 500–528. https://doi.org/10.1007/s10567-022-00379-3

Cetinkaya-Yıldız, E., Aracı-İyiaydın, A., & Toplu-Demirtaş, E. (2025). The ill fortune of attachment insecurity and dyadic distrust in marital satisfaction: A dyadic perspective in Turkish couples. *BMC Psychology, 13*(1), 417. https://doi.org/10.1186/s40359-025-02719-8

Diamond, R. M., Brimhall, A. S., & Bramesfeld, K. D. (2017). Got trust? A mixed-method consideration of how past relationships influence perceptions of trust. *Journal of Divorce & Remarriage, 58*(1), 64–81. https://doi.org/10.1080/10502556.2016.1268012

Dindoost, M., & Cheraghi, M. (2024). Children's lived experiences of parental extramarital relationship. *Applied Psychology, 18*(2), 33–60. https://doi.org/10.48308/apsy.2023.231531.1486

Einio, E., Metsä-Simola, N., Aaltonen, M., Hiltunen, E., & Martikainen, P. (2023). Partner violence surrounding divorce: A record-linkage study of wives and their husbands. *Journal of Marriage and Family, 85*(1), 33–54. https://doi.org/10.1111/jomf.12881

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.31]

Garriga, A., & Pennoni, F. (2022). The causal effects of parental divorce and parental temporary separation on children's cognitive abilities and psychological well-being according to parental relationship quality. *Social Indicators Research, 161*, 963–987. https://doi.org/10.1007/s11205-020-02428-2

Giacobbi, M., & Lalot, F. (2025). Unpacking trust repair in couples: A systematic literature review. *Journal of Family Therapy, 47*, e12483. https://doi.org/10.1111/1467-6427.12483

Guzmán-González, M., Gómez, F., Lafontaine, M.-F., & Tay-Karapas, K. (2025). Profiles of psychological adjustment to divorce and separation: Associations with attachment insecurity, forgiveness of the former partner, and emotion regulation difficulties. *Journal of Marital and Family Therapy, 51*, e70055. https://doi.org/10.1111/jmft.70055

Johnson, B. D., Berdahl, L. D., Horne, M., Richter, E. A., & Walters, M. G. (2014). A parenting competency model. *Parenting, 14*(2), 92–120. https://doi.org/10.1080/15295192.2014.914361

Johnston, C., & Mash, E. J. (1989). A measure of parenting satisfaction and efficacy. *Journal of Clinical Child Psychology, 18*(2), 167–175. https://doi.org/10.1207/s15374424jccp1802_8

Lie Ken Jie, C., Jessen Yramategui, J., & Huang, R. (2025). Children and divorce: A rapid review targeting cognitive dissonance in the context of narrative therapy. *Clinical Child Psychology and Psychiatry, 30*(2), 465–478. https://doi.org/10.1177/13591045251314908

Maki, M., Hagglund, A. E., Rotkirch, A., Kulathinal, S., & Myrskyla, M. (2025). Stable marital histories predict happiness and health across educational groups. *European Journal of Population, 41*(1), 12. https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC12075088/

Odis, A. I. (2021). Effects of divorce on women and children. *Texila International Journal of Public Health, 9*(1), 1–14. https://doi.org/10.21522/TIJPH.2013.09.01.Art001

Olărescu, V., & Dicu, A. (2025). The consequences of divorce on parental competences and the co-parentality relationship of the resident parents. *Psychology Scientific-Practical Journal, 46*(1), 58–66. https://doi.org/10.46728/pspj.2024.v46.i1.p58-66

Pan, B., Wang, Y., Zhao, C., Miao, J., Gong, Y., Xiao, B., & Li, Y. (2024). Co-parenting, parental competence and problem behaviours in children: Examining differential parental roles. *Humanities and Social Sciences Communications, 11*, 1283. https://doi.org/10.1057/s41599-024-03774-z

Rempel, J. K., & Holmes, J. G. (1986). How do I trust thee? *Psychology Today, 20*(2), 28–34. .https://psycnet.apa.org/buy/PE

Ruda, V. M., Sullivan, C., & Nasrazadani, A. (2025). Family-centered trauma-informed care: Integrating support for families affected by trauma. *Pediatric Clinics of North America, 72*(3), 553–564. https://doi.org/10.1016/j.pcl.2025.01.002

Stafford, L. (2016). Marital sanctity, relationship maintenance, and marital quality. *Journal of Family Issues, 37*(1), 119–131. https://doi.org/10.1177/0192513X13515884

Stafford, L., & Canary, D. J. (1991). Maintenance strategies and romantic relationship type, gender, and relational characteristics. *Journal of Social and Personal Relationships, 8*(2), 217–242. https://doi.org/10.1177/0265407591082004

Sumari, M., Baharudin, D. F., Aman, N. S., & Razak, N. A. A. (2024). From divorce to remarriage: Understanding the experience of remarried women in a collectivist society. *Family Transitions, 65*(4), 323–353. https://doi.org/10.1080/28375300.2024.2362109

Uunk, W., & Hoffmann, P. (2023). Do personality traits moderate the effects of cohabitation, separation, and widowhood on life satisfaction? A longitudinal test for Germany. *Journal of Happiness Studies, 24*(1), 141–157. https://doi.org/10.1007/s10902-022-00573-8

Widiastuti, D. (2021). Marital satisfaction in individuals who remarry after divorce. In *International Conference on Psychological Studies (ICPSYCHE 2020)* (pp. 131–137). Atlantis Press. https://doi.org/10.2991/assehr.k.210423.019

Yılmaz, C. D., Lajunen, T., & Sullman, M. J. M. (2023). Trust in relationships: A preliminary investigation of the influence of parental divorce, breakup experiences, adult attachment style, and close relationship beliefs on dyadic trust. *Frontiers in Psychology, 14*, 1260480. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2023.1260480

Zeng, C., Ji, J., Yang, H., Yang, L., Jiang, Y., Tang, P., & Lu, Q. (2025). Bridging the gap: Family resilience as a mediator between parental psychological resilience and care competence in premature infant transitions. *BMC Psychology, 13*(1), 494. https://doi.org/10.1186/s40359-025-02797-8

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-11-25]

[DOI: 10.66224/Rooyesh.15.5.31]